



واقعیت چیست؟

سخن سر دبیر

چرخ مردم می چرخد چرخ سانتریفیوژ هم می چرخد؟! !!!
یکسال مذاکره فشرده ایران با ۵+۱ و مشخصاً آمریکا بر سر موضوع هسته‌ای کشور و اعطای امتیازات ویژه و گسترده ایران به نام اعتماد سازی به طرف مقابل، سرانجام نتوانست عاملی برای لغو کامل تحریم‌های آمریکا علیه ایران و به عبارت صریح‌تر به نتیجه رسیدن مذاکرات برای توافق بر سر گام نهایی شود.

اما نکته تاسف بر آن است که تیم تبلیغاتی دولت و مشخصاً رئیس جمهور بدون در نظر گرفتن این تجربه پر هزینه یکساله، تلاش دارند تا همچنان اقتصاد ایران و چرخ زندگی مردم را باز هم به چرخ سانتریفیوژها گره بزنند و با ایجاد یک انتظار و امید غیر واقعی در دل مردم، همه چیز را منوط به نتایج مذاکراتی کنند که پاسخ آنرا در مسقط از طرف امریکایی به صراحت گرفته بودند.

رئیس جمهور ساعاتی پس از انتشار خبر تمدید مذاکرات ژنو در مقابل دوربین رسانه ملی قرار گرفت تا نظر و برداشت خود از این تمدید را برای مردم ایران بازگو کند. اما متأسفانه آنچه بر زبان رئیس جمهور در این زمینه جاری شد، نه نشانی از تصحیح آدرس غلط یکسال گذشته داشت و نه نشانی از اشاره به ناجوانمردی آمریکا در دیدارهای پشت درهای بسته.

آقای روحانی در مصاحبه بعد از تمدید ۷ ماهه توافق به سبک و سیاق مناظرات انتخابات ۹۲ همه مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم را به تحریم‌ها نسبت داد و تحریم‌ها را نیز ناشی از چرخیدن سانتریفیوژها، این آدرس غلط را آقای روحانی یکبار دیگر هم در ایام انتخابات داده بود آنجا که گفت: "چرخ سانتریفیوژها باید بچرخد؛ اما نه به قیمت از کار افتادن چرخ صدها کارخانه".

این بار نیز رئیس جمهور در مصاحبه‌ای که پس از اعلام خبر تمدید مذاکرات با تلویزیون داشت همین جمله را به عبارتی دیگر تکرار کرد: "چرخ سانتریفیوژها باید بچرخد؛ اما چرخ زندگی و معیشت مردم هم باید بچرخد".

آقای روحانی اما در بخشی دیگر از گفتگوی خود با مردم، اعلام کرد: "امروز ظرفهای مذاکره باور دارند که فشار و تحریم در برابر ایران بی نتیجه است". اما این پرسش را بی پاسخ گذاشت که اگر این فشار و تحریم در برابر ایران بی نتیجه بوده، پس چگونه در کلام و رفتار دولت، معیشت مردم ایران با آن گره خورده است؟! این طبیعی و واضح است که اکنون و پس از شکست غیرعلنی مذاکرات وین، دولت و رئیس جمهور نیاز به یک ابزار برای اداره فضای داخلی کشور دارد، اما نکته مهم آن است که این ابزار، یعنی گره زدن معیشت مردم با تحریم‌ها شاید در ایام انتخابات منجر به سرازیر شدن رای مردم به صندوق آقای روحانی شد، اما در آینده بیش از آنکه کارکردی مثبت برای دولت داشته باشد، با سر آمدن مهلت هفت ماهه گریبانگیر خود دولت خواهد شد.

امریکا در این دور از مذاکرات و مشخصاً گفتگوهای مسقط نشان داد که برنامه‌ای برای رفع تحریم‌ها علیه ایران ندارد و با سیگنال مثبتی که بواسطه عملکرد یکساله دولت دریافت کرد، راهبرد خود برای فشار بر ایران را موثر نیز یافته است، این بسیار واضح است که با پایان مدت هفت ماهه و حتی تعطیلی کامل برنامه هسته‌ای ایران نیز امریکا حاضر به بستن پرونده تحریم‌ها نباشد.

حال سوال اینجاست که رئیس جمهور با علم به این واقعیت که اساساً تحریم‌ها علیه ایران ارتباطی با چرخش سانتریفیوژها نداشته و کل موجودیت نظام اسلامی را هدف قرار داده است، و با این دست مذاکرات امکان رفع آنها وجود ندارد، چرا باز هم تلاش دارد تا فقیه این انتظار را در مردم بالا نگهدارد که با مذاکره و حتی تعطیلی برنامه هسته‌ای زندگی شما بهبود خواهد یافت؟!

بکار بردن این عبارت که "قطعا به توافق می‌رسیم" و ایجاد امید برای مردمی که به دولت راستگویان اعتماد کرده‌اند، هر چند ممکن است کارکردی چند ماهه در کنترل و مدیریت افکار عمومی داشته باشد، اما به هر حال با سر آمدن فرصت هفت ماهه و اثبات ناپذیری اعتماد به امریکا، نتیجه‌ای جز ناامیدی و بی اعتمادی به دولت در میان مردم نخواهد داشت.

غلط بودن این آدرس که "چرخ زندگی مردم به چرخش سانتریفیوژها بسته است" و این راهبرد که "به امریکا و قول اوپاما می‌شود اعتماد کرد"، بخوبی در این یکسال به اثبات رسیده است، اینکه دولت و رئیس جمهور این نکته را نمی‌پذیرد و یا اینکه نخواهد بپذیرد، یک واقعیت تاسف بار است که نه تنها برای کشور که حتی برای دولت و همین اهداف دم دستی سیاسی داخلی اش هم می‌تواند گران تمام شود، مردم ممکن است شش ماه و یا حتی یکسال منتظر به ثمر نشستن یک وعده بنشینند، اما بعید است بتوان بعد از یکسال و هفت ماه و یا دوسال، باز هم مردم را با عبارتی از جنس گفتگوی آن شب آقای روحانی با تلویزیون قانع کرد.

شورای نگهبان

در خانه اگر کس است، یک حرف بس است!

چرا نظارت استصوابی؟! این سوالی است که در موسم انتخابات زیاد پرسیده می‌شود. نحوه متفاوت تأیید صلاحیت‌ها در کشور ما به لحاظ مکانیزم شکلی به گونه‌ای است که شبیهاتی در ذهن مخاطبان قانون و عموم مردم به وجود می‌آورد و متأسفانه جریان‌های منحرف هم از این بستر به خوبی استفاده کرده و علیه کشوری که (به طور متوسط) هر سال یک انتخابات آزاد، با مشارکت بالا داشته سم‌پاشی می‌کنند. لذا ضروری است مبانی تاریخی، حقوقی، سیاسی و فقهی نظارت استصوابی بازخوانی شود. شرح تمام ابعاد نظارت استصوابی در این مجال ممکن نیست. لذا این قلم با رویکرد مبانی نظارت استصوابی در جمهوری اسلامی بحث را پیش می‌برد تا اصلی‌ترین ادعای مخالفان یعنی نبود این نظارت در زمان امام (ره) مخدوش شود. در این نوشته نیم‌نگاهی نیز به نظام انتخاباتی سایر کشورها نیز خواهیم داشت.

از آن جا که در اغلب کشورها، سر رشته‌ی اجرای انتخابات در دست قوه‌ی مجریه و دولت است و دولت‌ها همواره خود، یک طرف اصلی در رقابت‌های انتخاباتی محسوب می‌شوند، لازم است نهادی بی‌طرف و مستقل از جریان‌ها و جناح‌های رقیب بر فرآیند برگزاری انتخابات نظارت کند و هر چه این نظارت گسترده‌تر باشد، طبیعی است که بر کاهش تخلف‌ها و اعمال نظرهای غیرقانونی و در نتیجه، حراست از سلامت انتخابات و پاسداری از حق حاکمیت مردم، تأثیر افزون‌تری خواهد داشت.

چیستی نظارت

در جمهوری اسلامی ایران از آن روی که مردم بدون واسطه‌ی احزاب و به طور مستقیم در تعیین سرنوشت خود مشارکت و مداخله می‌کنند، حضور نهاد ناظر بی‌طرف و مستقل از جریان‌ها و جناح‌های رقیب در انتخابات، در تمامی مراحل انتخابات، (من الی الی الختم) ضروری است.

از این رو است که در قوانین متعدد مربوط به انتخابات، نظارت مصرح در اصل ۹۹ قانون اساسی، به نحو عام و معطوف به تمامی مراحل انتخابات، مورد تأکید قرار گرفته است. به عبارت دیگر، نظارت شورای نگهبان بر انتخابات از نوع "نظارت استصوابی حداکثری" تلقی می‌شود که نظارتی مستقر و فعلی، مستقیم و کنترلی و مستمر و دایمی را افاده می‌کند؛ یعنی اولاً شورای نگهبان در متن و میدان عملیات انتخابات حاضر است، ثانیاً به صورت مستقیم، عملیات اجرایی مجریان انتخابات را از حیث رعایت موازین قانونی، رصد و کنترل می‌کند و ثالثاً از آن جا که این نظارت مستقر، مستقیم و مستمر، جنبه‌ی استصوابی دارد، در هر مقطعی که لازم باشد، نسبت به اصلاح انحراف و پیشگیری از تخلف‌های احتمالی، اقدام مقتضی را به عمل خواهد آورد و مجریان انتخابات ناگزیر از اجرای تصمیم‌های نهاد ناظر خواهند بود.

نظارت استصوابی در ایران و سایر کشورها

نظارت - اعم از اسطلاحی و استصوابی - به نوعی در تمامی نظام‌های انتخاباتی وجود دارد؛ در نظام‌های غربی، غالباً نظارت اسطلاحی به نحو گسترده توسط احزاب و کاندیداهای انتخاباتی و

نیز رسانه‌ها و مطبوعات صورت می‌گیرد و نظارت استصوابی به صورت موردی و استثنایی توسط نهادهای عالی نظارتی اعمال می‌گردد که با رجوع به منابع تاریخی، مواردی از ابطال کلی یا جزئی نتایج انتخابات در جوامع غربی از سوی نهادهای عالی نظارتی را می‌توان سراغ گرفت؛ از آن جمله، ابطال کل نتایج انتخابات مجلس سنا و یا ۲۴ مورد ابطال نتایج انتخابات در حوزه‌های انتخابیه‌ی مورد شکایت که در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۸م. در فرانسه رخ داده است و هم چنین مداخله‌ی دیوان عالی فدرال آمریکا در نتایج انتخابات ریاست جمهوری این کشور در سال ۲۰۰۰ میلادی، را نمونه‌ی مهم دیگری از نظارت استصوابی بر انتخابات می‌توان تلقی کرد که براساس رأی صادره توسط نهاد عالی نظارتی (دیوان عالی کشور) "جورج بوش" به عنوان رئیس جمهور آمریکا معرفی گردید. در نظام جمهوری اسلامی ایران اما، نظارت اسطلاحی عوامل نظارتی منصوب از سوی سلسله مراتب منتهی به هیأت مرکزی نظارت و نظارت استصوابی نسبی هیأت‌های نظارت مرکزی و استانی و نیز نظارت استصوابی کلی نهاد عالی نظارت(شورای نگهبان) برای همه‌ی مراحل انتخابات از زمان ثبت نام نامزدها گرفته تا رسیدگی به صلاحیت نامزدها، تبلیغات انتخاباتی، برگزاری انتخابات، شمارش آراء، اعلام نتایج مقدماتی و قطعی انتخابات و بالاخره صدور اعتبارنامه‌ی منتخبین، مورد پیش‌بینی قانون گذار قرار گرفته است. بر این اساس، شورای نگهبان و سلسله مراتب نظارتی منصوب و متناسب به آن، در تمامی مراحل انتخابات و از جمله در مرحله‌ی رسیدگی به صلاحیت نامزدهای انتخابات، حق نظارت بر عملکرد هیأت‌های اجرایی دارند و می‌توانند عملکرد یاد شده در تأیید یا رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی را از حیث انطباق با مفاد قانونی مورد ارزیابی قرار دهند

نظارت استصوابی در قانون اساسی

اگرچه در اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - که صلاحیت نظارتی شورای نگهبان نسبت به عموم انتخابات را مورد حکم قرار داده است - لفظ "استصواب" به کار نرفته، اما معنای چنین نظارتی از مفاد اصل یاد شده به وضوح استنباط می‌شود.

نخست؛ به دلالت مفهوم لفظ "به عهده داشتن" اصل ۹۹ در نظارت مورد بحث در اصل یاد شده، از نوع استصوابی است؛ زیرا در این اصل "عهده‌داری وظیفه‌ی نظارت" مورد تصریح قرار گرفته است که معنایی جز "مرجعیت نهایی" را افاده نمی‌کند. دوم؛ به دلالت اطلاق لفظ "نظارت" در اصل ۹۹، نظارت مورد نظر قانون اساسی را باید استصوابی تلقی کرد؛ زیرا به نظر اکثر فقها اصل در نظارت استصواب است و خلاف آن محتاج قریبه یا دلیل است. به عبارت دیگر اگر لفظ نظارت مقید به قید "اسطلاحی" یا "استصوابی" نباشد و به نحو مطلق ذکر شده باشد، نظارت از نوع استصوابی تلقی خواهد شد و حضرت امام خمینی "ره" نیز همین نظر را در باب نظارت دارند. (تحریرالوسیله، کتاب وقف، مسأله‌ی ۸۶) سوم؛ شأن قانون اساسی - به عنوان سند بنیادین اداره‌ی کشور و میثاق میان ملت و حکومت - بیان احکام قطعی لازم‌الاجرای واجد ضمانت اجراست و منطقی نیست



که در چنین سند مهم و معتبری، درباره‌ی موضوع پراهمیتی هم چون نظارت بر انتخابات، مرجع نهایی معین نشده باشد. چهارم؛ مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی (شورای نگهبان) در نظریه‌ی تفسیری خود، نظارت موضوع اصل ۹۹ را از نوع استصوابی دانسته است: "نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی، استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود."

امام و شورای نگهبان

از جمله ادعاهای شبهه‌افکنان و دگراندیشان درباره‌ی نظارت استصوابی شورای نگهبان، آن است که چنین نظارتی در زمان حیات حضرت امام "ره" وجود نداشت و پس از رحلت آن حضرت، شورای نگهبان با تفسیر اصل ۹۹ چنین اختیار گسترده‌ای را برای خود مقرر داشت و بر نظام سیاسی کشور تحمیل نمود.

مقصود تجدید نظرطلبان معاند از طرح این موضوع هم القای فاصله گرفتن نظام از ارزش‌ها و مناسبات مورد قبول حضرت امام "ره" و میل به سمت و سوی اقتدارگرایی حکومت است و چنین وانمود می‌کنند که گویی حضرت امام "ره" مخالف بسط ید شورای نگهبان در نظارت بر فرآیند انتخابات بوده است.

خلاف گویی این عده با پیام حضرت پاسخ داده شده که ایشان با صدور پیامی تاریخی در دفاع از شورای نگهبان و تبیین جایگاه رفیع آن در نظام جمهوری اسلامی، پاسخی کوبنده به جوسازان برضد شورای نگهبان دادند.

"بسم‌الله الرحمن الرحیم، چنانچه مشاهده می‌شود پس از انتخابات مرحله‌ی اول از دوره‌ی دوم مجلس شورای اسلامی، افرادی که نظریه‌ی شورای محترم نگهبان در ابطال یا تأیید بعضی حوزه‌ها موافق میل‌شان نبوده است، دست به شایعه‌افکنی زده و اعضای محترم شورای نگهبان (ایدهم الله تعالی) را که حافظ مصالح اسلام و مسلمین هستند تضعیف و یا خدای ناکرده توهین می‌نمایند و به پخش اعلامیه و خطابه در مطبوعات و محافل دست زده‌اند، غافل از آن که پیامد چنین اعمال و جوسازی‌ها آن هم در دوره دوم مجلس و نگذشتن سالی چند از انقلاب چه خواهد بود. ... من به این آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان امری خطرناک برای کشور و اسلام است. همیشه انحرافات به تدریج در یک رژیم وارد می‌شود و در آخر، رژیم را ساقط می‌نماید. ... در خاتمه باید بگویم که حضرات آقایان فقهای شورای نگهبان را با آشنایی و شناخت تعیین کردم و احترام به آنان و حفظ مقام‌شان را لازم می‌دانم و امید آن دارم که این نحو امور تکرار نشود و به شورای نگهبان تذکر می‌دهم که در کار خود استوار باشید و با قاطعیت و دقت عمل کنید و به خدای متعال اتکال کنید. از خداوند تعالی عنایت و رحمت برای ملت عزیز را خواستارم." (صحیفه‌ی امام "ره"، جلد ۱۸، ص ۴۳۱)

اگر بنا باشد تمام مواضع امام (ره) در زمینه اختیارات و جایگاه شورای نگهبان را بررسی کنیم بحث به درازا می‌کشد، علی‌ای‌حال در خانه اگر کس است، یک حرف بس است!

امید ادیب، ارشد جزا و جرم‌شناسی ۹۲

جمهوری اسلامی و حق ابراز سلیقه های غیر حکومتی

جمهوری اسلامی و حق ابراز “سلیقه های غیرحکومتی”
چندی پیش یکی از خواننده های پاپ ایران به رحمت خدا رفت و بعد از آن در مراسم تشییع این جوان جمعیت نسبتا زیادی برای وی حضور یافتند و این شروعی برای تحلیل های متفاوت شد . همان قدر که برخی ها از جمعیت قابل توجه تشییع خواننده ای جوان در تهران ذوق زده اند و فکر می کنند حرکت بزرگی علیه سیاست های جمهوری اسلامی انجام شده و ضربه ی سهمگینی بر پیکره ی نظام وارد کرده اند؛ برخی دیگر هم متعجب و ناراحت و شاید حتی عصبانی اند از این جمعیت و فکر می کنند واقعا اتفاق مهمی علیه جمهوری اسلامی افتاده و باید نگران بود و باید برای آن چاره ای اندیشید.

این هر دو دسته ای که ذکرش رفت، قصد بزرگنمایی دارند؛ یک گروه قصد بزرگنمایی خویش و دیگری قصد بزرگنمایی دشمن (فرضی!) و این میانه جمهوری اسلامی گرفتار دشمنان و دوستانی است که نه دسته ی اول دشمنی شان، قابل اعتناست و نه دسته ی دوم دوستی شان قابل اتکا.

باید از تحلیل های هر دو گروه، از ذوق زدگی آنان و هراس اینان که همه بر مبنای محاسبات غلط است، بی اعتنا گذشت و نگاهی کلان تر به ماجرا داشت و از ورای این هر دو دسته، نحوه ی برگزاری این مراسم را به فال نیک گرفت. توضیحش شاید کمی سخت باشد؛ اما فقط کافی ست دغدغه ی “تحمل و مدارا” داشته باشیم؛ آن وقت

حقیقت عاشورا چه بود؟

ورای همه ی قیاس های کم بهایی که برخی ها با اعلام خبر فوت این خواننده ی تازه کار جوان شایع کردند و کوشیدند از طرفداران او و حتی از خود او قهرمانان ضد حکومتی بسازند، در می یابیم که حتی اگر همه ی این شایعه ها راست هم بودند، باز نباید از تجمع بی آشوب و اغتشاش مخالفان هراسی به دل راه داد؛ حال که اصلا چنین بحثی هم نیست و خواننده ی مذکور نه تنها وجهی ضد حکومتی ندارد، بلکه بخش اعظمی از شهرت و محبوبیتش را مدیون رسانه ی رسمی همین حکومت است و البته هیچ گاه هم موضعی سیاسی، اعم از مخالف یا موافق نظام نداشته است.

او خانواده ای سنتی و مذهبی و به گفته ی خودشان موافق با نظام دارد و واقع آن است که جمهوری اسلامی در همان مراسم تشییع به آنچه می خواسته رسیده و بی آنکه تلاشی کرده باشد، آن جمع که شاید اغلیشان ترجیح می دادند مدل دیگری تشییع بگیرند، پای روضه ی حضرت علی اکبر گریه کردند و آیا همین برای جمهوری اسلامی کافی نیست؟.

باید جامعه را عادت داد؛ هم به مدارا و تحمل مخالف؛ هم به اینکه سطح نگاهش را بالا ببرد و کلان ببیند و یک تجمع چند هزار نفری ساده را حرکتی بزرگ نپندارد.

باید جامعه را عادت داد که هر کس جمع شد و حرفی زد که عین حرف نظام نیست، فکر نکنند حرکتی علیه نظام اتفاق افتاده است. ممکن است کسی گفتمانی غیر از گفتمان مورد قبول حکومت را

داشته باشد؛ اعتقاداتش یک مدل دیگر باشد؛ اما “غیر از حکومت” با “ضد حکومت” و “مقابل حکومت” فرق دارد .

فرصت دادن به غیرحکومتی ها برای برگزاری مراسم ها و تجمعات خود در سطح گسترده نشانی از قدرت ضدانقلاب و ضعف نظام نیست؛ بلکه از قضا نمایش قدرت حکومتی است که ریشه هایش عمیق تر از آئی ست که از این نسیم ها بر خویش بلرزد.

غیرحکومتی ها موضعی علیه کلیت نظام ندارند؛ اینان شاید همان قشر خاکستری هستند که روزی دلخوش به اصلاح طلبی محمد خاتمی می شوند؛ فردایش ناامید از اصلاح طلبان به دولت خدمتگزار محمود احمدی نژاد رای داده اند و بعدتر به تدبیر و امید حسن روحانی دل بستند.

فهم اینکه کسانی در انتخابات های مختلف به هر سه ی اینان رای داده اند، نیاز به آنالیز پیچیده آمار انتخابات ندارد؛ یک حساب سرانگشتی ساده همین را نشان می دهد. آنها شهروندان نظام اسلامی هستند و نظام در برابر حقوق شهروندی و امنیت و آزادی آنان مسئولیت دارد

میدان دادن به تفکرات مختلف، هم کاستی های آنان را عیان می کند و هم نقاط ضعف و قوت جریان حامی نظام اسلامی را. ا گر تشییع چند هزارنفری این خواننده در مرکز تهران برگزار نمی شد، ایراد و اشکال گرفتن ها به نحوه ی حضور افراد هم نبود، اشکال گرفتن هایی که از میان همفکران خودشان صورت گرفت و آن همه موبایل بازی و شوخی و خنده و حتی قهرمان سازی کاذب از یک

استوارتر ساخت . شهادت مظلومانه شش ماهه امام حسین (علیه السلام) ، حضرت قاسم بن الحسن پسر امام حسن مجتبی (علیه السلام) ، حضرت ابوالفضل العباس (سلام الله علیها) و سایر مصیبت های کمرشکن کربلا ، هر کدام به تنهایی می توانست دلیل عوام فریبانه مناسبی برای تسلیم شدن باشد اما این حسین بن علی (علیه السلام) بود که احیا و تعالی دین خدا را برسختی های دوره ای مقدّم شمرد و برمقاومت خود پای فشرد . همین پایمردی بر مبارزه و کوتاه نیامدن دربرابر باطل باعث شد هریک از شهدای کربلا ، بدل به اسوه و الگوی مبارزه با طاغوت شوند ؛ الگوهایی که تا پایان تاریخ ، دستگاه های ظلم و جور را رسوا و بدنام ساخته اند . امام حسین (علیه اسلام) قیام کرد تا با بیداری امت اسلامی ، بدعت را ریشه کن و با طاغوت مبارزه کند ؛ این وظیفه امامت حسین بن علی (علیه السلام) بود که حضرت به نحو احسن به آن عمل نمود . جنبه ادای وظیفه قیام عاشورا به قدری پُررنگ و واضح است که امام حسین (علیه السلام) برای عمل به وظیفه ارشادی خود ، طیّ چند جلسه دیدار در دهه اول محرّم و درجریان استقرار کاروان امام در صحرای کربلا ، عمرسعد را موعظه و نصیحت می کنند و درهر نبرد نیز برای لشکر حرام خورده ابن زیاد ، خطبه ارشادی می خوانند . این جلسات هم نه برای مذاکره ، تعامل و داد وستد بلکه برای موعظه و نصیحت و عمل به وظیفه ارشادی امام معصوم تشکیل شد .اصالتا هم رویکرد ادای وظیفه ، قیام عاشورائیان را ماندگار و حماسه حسینی را جاویدان کرده است .

یادگار انقلاب عاشورا که همان روحیه حق طلبی جهادی و مبارزه با کفر و طاغوت و دریک کلام باطل است ، در امتّ اسلامی باقی مانده است . الگو بودن قیام اباعبدالله (علیه السلام) برای انقلاب های بشری هم مصداق این حقیقت است . پس از قیام عاشورا ، بی استثنا دستگاه های ظالم و استکباری مورد انتقاد و هجوم شیعیان و پیروان راستین امام حسین (علیه السلام) قرار داشته اند. امامان معصوم پس از امام حسین (علیه السلام) نیز براین رویکرد تهاجمی مداومت داشته اند و اصلا تنها دلیل مصائب خاندان عصمت و طهارت که ازجانب حاکمان ظالم اموی و بنی عباس واقع می شده است هم همین روحیه حق

خواننده ی نوپای غیر طراز اول را به چالش کشید. اگر تشییع آن خانم شاعر نبود، الان نقد بر روشنفکران هم نبود که کجای دنیا در مراسم تدفین بی اعتنا به درخواست خانواده ی عزادار برای گفتن اذکار مذهبی، سوت و کف می زدند؟! اگر تشییع قائم مقام معزول رهبری نبود، کسی متوجه نمی شد که ابتذال می تواند به جایی برسد که در تشییع یک مرجع تقلید همراه با سگشان بروند و شعار دهند که ”مرجع تقلید ما پیش نداشت امروز!“ اینک اما تاول های رفتارهای سخیف این جریان ها مقابل چشمان خودشان می ترکد و آنان را آزرده می کند.

باید این فضا را شکست. باید ابراز سلیقه های متفاوت و حتی اعتراضات درون نظام عادی شود و آن همه خرق عادت نباشد که هزار تحلیل برای یک تشییع نوشته شود. باید سلیقه های متفاوت از حکومت ابراز شود و حامیان نظام به دیده ی مدارا و تحمل بنگرند. ممکن است گفته شود خود صاحبان این سلیقه های متفاوت هم چنین مدارایی با حامیان جمهوری اسلامی ندارند؛ بله، ندارند. اما مدارا از اویی که در مسند قدرت است، شایسته تر است و از سویی ما ادعای برقرار حکومت عدل اسلامی داریم؛ اسلام می گوید که قدر ادعایمان باید خودمان را بالا بکشیم؛ بنابراین ما قدر ادعایمان اسلامی شویم، حتی اگر طرف مقابل قدر ادعایش روشنفکر نبود.

کبری آسوپار /فعال فرهنگی

طلبی و استکبارستیزی امامان معصوم (علیهم السلام) و شیعیانشان بوده است . هرکجا که مسلمانان به این اصل پای بند مانده اند ، خاری در چشم طاغوت و مستکبران بوده اند و هر جا که دست از این اصل برداشته و با رویکرد تعامل سازنده با استکبار سازش کرده اند ، نتیجه ای جز شکست و خفّت نگرفته اند . درحقیقت تهاجمی بودن و حمله بی امان به دستگاه مستکبران ، وظیفه ای است که خون پاک حضرت ثارالله (علیه السلام) بر دوش پیروان و شیعیان و محبّین آن حضرت قرار داده است .

قیام اصحاب کربلا در سال ۶۱ هجری و شهادت مظلومانه آنان ، باعث شد تا پایان تاریخ وجدان های پاک و بیدار از کفر و بدعت بیزار شوند و باعبرت گرفتن از فاجعه کربلا ، هیچگاه دربرابر دشمنان سر فرود نیاورند ؛ این نتیجه ، کینه و عداوتی در دل ظالمان و مستکبران نسبت به قیام عاشورا بوجود آورده است .این کینه باعث شده است تا دشمنان همواره ، آشکار و نهان ، با توسّل به زور یا طرح توطئه ، عاشقان امام حسین (علیه السلام) را از گرد او پراکنده کنند و آب بر آتش داغ مظلومیّت سیدالشهدا (علیه السلام) بریزند . پس از ممنوعیت عزاداری برای حضرت اباعبدالله (علیه السلام) ، کشتار شیعیان آن حضرت و تفرقه افکنی در امت اسلامی و سایر توطئه های استبداد و استعمار، اینک پروژه تحریف واقعه عاشورا و شبهه افکنی در اصل واقعه در دستورکار یزیدیان قرار گرفته است تا با تحریف و طرح تفسیرهای ناحق ، درهدف متعالی امام حسین (علیه السلام) و دستاورد های انقلاب عاشورا برای شیعیان خدشه وارد کنند . یزیدیان پس از آن که هرچه شیعه کشتند بیشتر خود را منقور و خسران زده یافتند ، اینک عوامل و مزدوران خود را بکار گرفته اند تا با طرح شبهه از درون به ساختار قیام حضرت اباعبدالله (علیه السلام) ضربه بزنند. اما هیهات که این نیات پلید و دستهای آلوده به خون ، دربرابر شیعیانی که پیروی از راه شهدای کربلا و مکتب قیام عاشورا را همراه با شناخت و بصیرت درپیش گرفته اند ، نتیجه ای جز یأس و ناامیدی و سردرگمی برایشان نخواهد داشت ؛ تا این سردرگمی و ضلالت استکبار ، با ندایانالمهدی حضرت ولی عصر (عَجَلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ شَرِيف)باعث فروپاشی آنان شود و حماسه حسینی انقلاب عاشورا در انقلاب صاحب الزّمان تکرار شود .

مر تضى محمدپور /مکانیک بیو سیستم ۹۲

قرن هاست که از انقلاب عاشورای سال ۶۱ هجری می گذرد و این انقلاب مقدّس همواره الهام بخش قیام ها و انقلاب های کوچک و بزرگ برای امربه معروف و نهی از منکر بوده ،هست و خواهد بود و انقلاب جهانی مهدوی نیز یادآور یک انقلاب حسینی مجدّد در آخرالزّمان است . اصالتا قیام عاشورا دارای سه جنبه است : اول جنبه تقوایی است که حسین بن علی (علیه السلام) دعوت یزید برای کسب قدرت را رد کرد و تقوا پیشه نمود . دوم جنبه ادای وظیفه است که درتمام مراحل قیام به نمایش درآمده است و سوم جنبه تهاجمی است که مربوط به شیعیان و پیروان اباعبدالله (علیه السلام) است . دراین مجال ، قصد دارم به جنبه های دوم و سوم یعنی رویکرد ادای وظیفه درانقلاب عاشورا و جنبه تهاجمی آن بپردازم.

یگانه عاملی که موجب پیروزی خون برشمشیر درانقلاب امام حسین (علیه السلام) شد ، جایگزین شدن فاکتور آینده نگری و دوراندیشی بجای فاکتور آئی بینی در جریان مسیرقیام بود . مصیبت های بزرگی که بر پسرقاتمه (سلام الله علیها) تحمیل شد ، نه تنها منجر به تردید و کوتاه آمدن اباعبدالله (علیه السلام) نشد ، بلکه حضرت را دراحیای دین خدا که هدف متعالی قیامشان بود ،



تقابل مطهری با منتظری

در کشورمان ایران از زمان های قدیم اینگونه بوده است که معمولا اگر پدری پست یا مقامی می گرفت و یا شخصیتی موثر بود بصورت کاملا خیرخواهانه و نه اصلا بصورت رانت و استفاده از بندهای (پ) برای فرزندان خود نان و آبی را دست و پا می کرد تا فرزندانش برای آنان باقیات الصالحات باشند! برای روزی که دستشان از این دنیا کوتاه شد چشم امیدشان باشند .

در مقابل ، این فرزندان خلف و پشت به دنیا کرده هم به هیچ عنوان از



موقعیتی که برایشان پیش آمده بود استفاده نمی کردند مگر در موارد خاص! و از آنجایی که پشتشان به کوه وصل بود و یا به فضل پدرشان می نازیدند دست به هرکاری می زدند که بنایی به گفتن آن ندارم چرا که مسئله کاملا واضح است!

یکی از این افراد همین پسر شهید مطهری هست که متاسفانه از فضل پدرش هیچ ثمری به خود نرساند و با اطلاعات ناقص و بعضا اشتباه روی یک موضع پافشاری کرده و حرف های بی سند می زند و به هر نحوی بدنبال به کرسی نشاندن حرف هایش هست و همین کارها و حرف های ایشان مارا به این وا داشت که علی رغم میل باطنی این جمله را بگوییم که ” پسر کو ندارد نشان از پدر“ چرا که شهید مطهری تمام حرف ها و مواضعش بر اساس منطق و استدلال بود .

از جمله همین استدلال های غلط و اطلاعات نادرست ، پافشاری ایشان روی عدم قانونی بودن مسئله حصر است گویی که ایشان شده اند وکیل الدوله و سخنگوی محصورین فتنه گر! لذا در این نوشته بنا داریم به این موضوع یعنی قانونی و شرعی بودن حصر طبق یکی از کتاب های آیت ... منتظری بپردازیم تا به وظیفه روشنگری خود عمل کرده و پاسخ برخی یاهو گویی ها را بدهیم .

یکی از کتاب هایی که مرحوم منتظری تالیف کرده اند کتاب ” دراسات فی ولایت الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه“ هست که از کتب مفصل و قوی پیرامون مبحث ولایت فقیه می باشد . در جلد دوم این کتاب یکی از ۴ قسم زندان در فقه اسلامی ” سجن الاحتیاطی“ معرفی شده است که به طور خلاصه عبارت است از: ” زندان فرستادن یک فرد متهم پیش از اثبات جرم او به هدف جلوگیری از هروب و به این دلیل که نتواند بر روند رسیدگی اتهامش اثر منفی بگذارد“

مثالی که مرحوم منتظری ذیل تعریف این نوع زندان ذکر کرده اند، مثال متهم مجهول الحالی است که وضع نیک یا بد او روشن نیست، پس محبوس می شود تا وضع او روشن شود . در نتیجه ی این مثال، که به هدف توضیح یک نوع از محرومیت های مورد تأیید فقه اسلامی و توسط یک فقیه مبرز در یک کتاب مهم مرتبط با فقه اجتماعی و حکومتی ذکر شده است، محدود کردن و حتی محبوس کردن افرادی که ارتباط آنها با جامعه اسلامی به ضرر جامعه و

یا حتی مخل روند بررسی اتهاماتشان می شود ” حتی پیش از صدور حکم دادگاهشان و اثبات جرمشان“ مسئله ای است که مشخصا در فقه اسلامی وجود دارد .

بعنوان مثالی دیگر، مرحوم منتظری می نویسند: از سید محسن عاملی در کتابشان ”عجایب احکام امیرالمومنین (ع)“ نقل شده است که علی (ع) فردِ متهم به قتل را محبوس کرد، به این هدف که به وضعیت متهمین همراه او رسیدگی کند .

روشن است که در وضعی که یک متهم، صرفا ”مجهول الحال“ است، یا مثلا وضع همراهانش در حال رسیدگی است، مجرمیتش هنوز ثابت نشده است، اما چنانچه نمونه تاریخی گویاست، چنین متهمی نیز میتواند به تشخیص ولی امر و یا قاضی مورد تایید او به سجن احتیاطی بیفتد تا تکلیف اینگونه امور روشن شود .

بسیاری از شخصیت های موثر در فتنه سال ۸۸ (از آغاز دستگیری ها در روزهای اول انتخابات تا آغاز حصر خانگی سران فتنه در یکسال و نیم بعد از انتخابات) در وهله اول صرفا به زندان احتیاطی (سجن الاحتیاطی) افتادند و علت اصلی این بود که تا روشن شدن وضعیتشان، از ضرر رسیدن به جامعه و یا اخلال در روند تحقیق پرونده ها ممانعت به عمل آید. حتی اگر درست به خاطر بیاوریم بحثی نیز پیرامون در خطر بودن جان آنها از سوی برخی دوستان عصبانی و پاره ای دشمنان بدخواه در میان بود که خود می توانست بعنوان محرکی امنیتی برای ایجاد محدودیت عمل کند.

با شرح ذکر شده در کتاب ولایت فقیه مرحوم منتظری پیرامون یکی از انواع حبس در فقه اسلامی، حبس خانگی آقایان موسوی و کروبی که هیچ، حتی اگر چنانچه اینگونه افراد پیش از تشکیل دادگاه در اوین هم محبوس می شدند، باز هم نمی شد مدعی شد که آن حبس و آن زندان خلاف شرع بوده است، بلکه می بایست بحث ”سجن الاحتیاطی“ نیز مدنظر قرار بگیرد. و این نکته البته نکته قابل توجهی به نظر می رسد، علی الخصوص برای اهل فضلی چون آقای دکتر علی مطهری که بعضا دست به قلم هم می شوند و نامه نگاری ها و حرف هایی نیز در این باره می زنند

مرتضی محمدپور مقدم / علوم سیاسی ۹۰

معرفی کتاب



آفتاب در مصاف

کتاب ”آفتاب در مصاف“ علل و ابعاد حادثه‌ی عاشورا بر گرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی است که تا کنون سه بار تجدید چاپ شده است. این کتاب در ۷۲۲ صفحه تدوین شده است و شامل مجموعه تمام گفتارها و مطالب مقام معظم رهبری از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ درباره وجود مقدس امام حسین(علیه السلام)، و تحلیل وقایع قبل و بعد از عاشورای سال ۶۱ هجری قمری می‌باشد. امام حسین، عاشورا، یاران عاشورا، دشمنان عاشورا، زیارات و ادعیه از جمله بخش‌های این کتاب است.

انقلاب ما عاشورایی دیگر

روز عاشورا چه ها در کربلا رخ داده بود؟
زاده ی زهر(اس) چرا خود بی کفن افتاده بود؟
انقلابی بود آن روز از طلوعش تا غروب
رب و ارباب و ملک سر بر زمین افتاده بود؟
لشکر اسلام ۷۲ تن بودند و بس
لشکر کفر ای عجب بر جان دین افتاده بود!
انقلابی بود آن روز از برای عالمین
این عجب جنگی که عاشورا در آن افتاده بود!
انقلاب و عشق آن اندر دل ما مسلمین
بود و انگار از قضا بر دست ما افتاده بود.
انقلابی بود بس اعظم برای این جهان
زان که یک عالم علیه جان ما افتاده بود!
شاه در دستش به جای تاج ، مشتی خاک و بس
ترک کشور گفته و جان در خطر افتاده بود.
مضطرب بود و تمام تاج و تختش را عیان
پوچ دید او چون نگه اندر نگه افتاده بود!
چشم او روزی که بر چشم خمینی خیره شد
ترس و لرزش هیچ‌اروحش از بدن افتاده بود!
چون خمینی شد عیان دست همه با او یکی
شد که آمریکا ز تختش بر زمین افتاده بود!
انقلابی بود بس عالی و دیدن داشت این
چون که تیر ما عجب در جای خود افتاده بود!
اتفاقی تک بُود بعد از حماس کربلا
این روادید از سر لطف اُخذ افتاده بود!

امیر حسین درانی / آمار ۹۳



اوباما معتقد است ...

اوباما در گفت‌وگو با شبکه ای بی‌سی‌نیز صراحتاً گفت "موضع آمریکا در قبال تحریم‌ها با موضع ایران متفاوت است. ایران به دنبال لغو فوری تحریم‌ها بلافاصله پس از امضای توافق جامع است اما این موضع آمریکا نیست و آمریکا درباره این موضع خود مذاکره نمی‌کند. خبر خوب در این باره این است که توافق موقت هسته‌ای که انجام شد، باعث شده است ایران از پیشرفت در برنامه هسته‌ای خود باز بماند ، پس می‌توان گفت توافق موفق بوده است."

تناقض در دولت راستگویان

فرشاد مؤمنی استاد دانشگاه علامه طباطبایی در مورد ادعای رشد اقتصادی دولت یازدهم می‌گوید: ادعای بانک مرکزی با ادعاها و تحلیل‌هایی که در گزارش بسته سیاستی دولت ارائه شده بود تناقض دارد. در آن بسته دولت تصریح کرده بود که چون در سال ۱۳۹۲ و در دولت دهم ، سرمایه‌گذاری خاصی نشده است، افزایش معنی‌دار رشد اقتصادی در سال ۹۳ امکان‌پذیر نخواهد بود. حال چگونه میتوان این ادعای متناقض را باور کرد؟ این اقتصاددان در ادامه تصریح کرد: تا وقتی عزم و اراده جدی برای حل مشکل اقتصادی زیرساخت‌ها وجود نداشته باشد، هیچ اتفاقی ولو با لغو تحریم‌ها رخ نخواهد داد.

بیماری فتنه‌گران وخیم تر شده است ...

گویا سردمداران فتنه ۸۸ عادت بد خود را ترک نکرده اند و هنوز از مرض "پیش بینی نتیجه انتخابات" رنج می‌برند ! فائزه هاشمی در غرفه روزنامه آرمان در نمایشگاه مطبوعات گفت: "آن‌ها (اصولگرایان) به خوبی واقف هستند که با حضور گسترده مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی، رأی‌هایی که به صندوق انداخته می‌شود رأی آن‌ها نیست بلکه رأی اصلاح‌طلبان است. (!) جریان اصولگرایی رأی ثابتی دارد و پای صندوق‌های رأی هم می‌رود رأی آن‌ها معمولاً بیش از آن رأی سنتی نیست. بنابراین حضور پررنگ مردم در پای صندوق‌های رأی در رأی آن‌ها تأثیری ندارد بلکه به نفع اصلاح‌طلبان است.

آمریکا همچنان گرگ است ...

حجت الاسلام حمید رسایی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به تمدید ۷ ماهه توافق ژنو گفت: ۷ ماه که هیچ ۷۰ ماه یا ۷۰ سال هم که تمدید کنند آمریکا همچنان گرگ است چرا که شما به جای اینکه کدخدا را به رسمیت بشناسید خدای کدخدا را به رسمیت شناختید . وی تأکید کرد: تا ۷ ماه بعد هم هیچ اتفاق دیگری نمی‌افتد چرا که تا وقتی چشم ما به دست آمریکاست تغییری رخ نخواهد داد؛ طبیعی است که اگر [شما] دست [دشمنان] را ببینید و او آخ بگوید ، شما بیشتر دستش را می‌ببینید.

مشکل با اسلام است ...

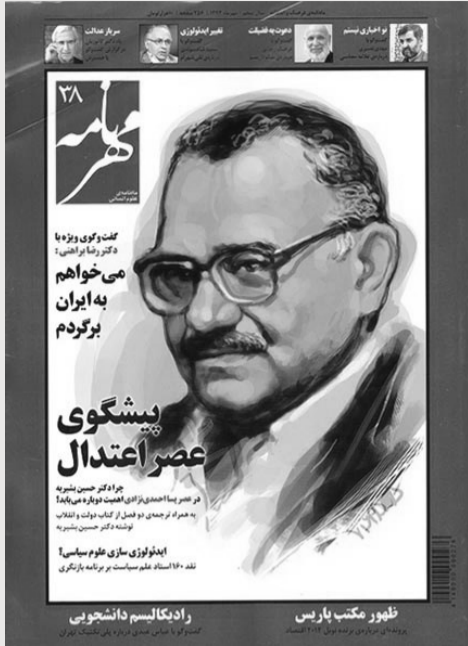
سید حمید روحانی : در سال ۸۷ کتابی با نام ایران و جهانی شدن با قلم آقای سریع‌القلم مشاور رئیس جمهور نوشته شده و نظریاتی در این کتاب آمده که پشت هر انسان غیرتمدنی را می‌لرزاند. در متن این کتاب آمده است اگر ایران بخواهد اسلام را منشأ تصمیم‌گیری خود قرار دهد طبیعی است که نمی‌تواند با جهانی که منشأ آن سرمایه‌داری است رابطه برقرار کند. در نتیجه‌گیری این کتاب آمده است که اگر می‌خواهیم جهانی شویم نباید به اسلام پایبند باشیم و پیشرفت عمومی ایران بدون هماهنگی با قدرت‌های بزرگ امکان‌پذیر نیست.

اقتدار ایران و سردرگمی آمریکا در عراق

مجله آمریکایی نیوزیک در گزارشی از روند تحولات عراق پس از سرنگونی رژیم صدام حسین نوشت: ایرانیان فرمانده نیروی قدس و مغز متفکر نظامی خود را به عراق فرستادند؛ کسی که بسیاری از رهبران نظامی جهان او را فرماندهی عالی و استراتژیک می‌دانند. بنابراین گزارش، در حالی که سلیمانی عموماً خود را نشان نمی‌دهد اما در سپتامبر گذشته اجازه داد تا از او در عملیات امرلی عکس گرفته شود و این پیامی برای غرب بود تا بدانند ایران در عراق حاضر و قدرتمند است.

له شدن به قیمت توسعه

پزشکیان در برنامه شناسنامه با اشاره به سیاست‌های اقتصادی دولت‌های هاشمی رفسنجانی گفت: توسعه را نمی‌شود به هر قیمتی رفت. در توسعه حتماً باید آدم‌هایی که فقیرند را دید نباید گذاشت این‌ها زیر دست و پا له شوند. زمان آقای رفسنجانی من رئیس دانشگاه بودم.آن موقع به من دستور داده بودند تعدیل نیروی انسانی



پیشگوی ناکام

طی یک سال و نیم گذشته تکاپوی بسیاری برای واکاوی مفهوم «اعتدال» صورت گرفته است و علاوه بر برگزاری تعدادی همایش دولتی با حضور چهره‌های نزدیک به رییس جمهور برای تشریح این شعار انتخاباتی، بعضاً مقالات و نوشتارهایی نیز جهت توضیح، تفسیر و تبیین «اعتدال» منتشر شده است.

در همین راستا، یکی از آخرین تلاش‌های صورت گرفته را باید انتشار آخرین شماره ماهنامه مهرنامه دانست. ارگان جریان شبه روشنفکری داخل کشور که با حمایت‌های ویژه چهره‌های نزدیک به حزب کارگزاران سازندگی، در تلاش است تا همواره دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی لیبرال‌های وطنی را تئوریزه کند.

مهرنامه شماره ۳۸ خود با انتشار پرونده‌ای برای حسین بشیریه استاد سابق علوم سیاسی دانشگاه تهران که در حال حاضر در آمریکا به سر می‌برد، از وی به عنوان «پیشگوی عصر اعتدال» نام برده و ضمن بازخوانی زندگی و تالیفات وی، نتیجه گرفته که جای خالی وی این روزها بیش از همیشه احساس می‌شود چرا که بازخوانی نظریات او نشان می‌دهد بشیریه کسی است که در نیمه دهه ۸۰ با ارائه برخی شاخص‌های سیاسی- اجتماعی پیش بینی کرده بود در صورت وقوع این شرایط، دوران گذار به دموکراسی (اعتدال) تسریع می‌شود. جالب آنکه عمده استدلال این نشریه درباره نتیجه‌گیری مورد اشاره نیز مبتنی بر مقاله بشیریه در تیر ماه سال ۱۳۸۳ با عنوان «نقش نخبگان در گذار به دموکراسی» در نشریه آیین است که در آن مقاله وی به زعم خودش ضمن بررسی موانع توسعه سیاسی و گذار به دموکراسی، با ذکر دلایل چهارگانه‌ای می‌نویسد:

در چنین شرایطی (توقف در وضعیت گذار به دموکراسی) هیچ یک از اجزای تشکیل دهنده نخبگان حاکم، توانایی غلبه نهایی بر سایر اجزا را نداشته باشند و اختلاف‌ها تقریباً به صورت فیصله نیافته از طریق غلبه ادامه پیدا کند. بنابراین فقدان توانایی غلبه یک بخش از نخبگان حاکم چه از حیث ساختاری و چه از حیث حقوقی بر سایر اجزای نخبگان حاکم ضروری است.

دوم اینکه اجزای مختلف نخبگان حاکم از حیث سازماندهی به نیروها و بسیج نیروهای خودشان نسبتاً مشابه باشند،

سازمان‌هایی را برای خود تولید کرده و گسترش داده باشند. سوم اینکه هیچ یک از اجزای تشکیل دهنده نخبگان حاکم دارای وابستگی شدید به فشارهای توده‌ای نباشند؛ به عبارت



دیگر استقلال عمل از فشارهای توده‌ای که در پشت برخی از اجزای تشکیل دهنده نخبگان است موجود باشد.

و چهارم اینکه بحرانی عاجل یا در شرف وقوع اتفاق افتاده باشد که اجزا گسیخته نخبگان حاکم را به این نتیجه برساند که برای منافع ملی یا منافع حکومتی یا منافع مشترک بایستی با یکدیگر توافق کنند. در حقیقت همه گذارهایی که در اروپای جنوب، آسیای جنوب شرقی و موارد توفیق آمیز گذار بر دموکراسی اتفاق افتاده، نتیجه حدوث این چهار شرط اساسی است.»

لذا بر اساس این دلایل چهارگانه، مهرنامه نتیجه گرفته است که اگر چه این شرایط هیچ کدام در سالهای پایانی دوران اصلاحات به وقوع نپیوست و سالها تلاش روشنفکران و اصلاح طلبان برای وصول به جامعه مدنی، به انتخاب محمود احمدی نژاد انجامید اما این شرایط چهارگانه در سال ۹۲ به وقوع پیوست و در نهایت حسن روحانی با کسب آرای اکثریت مردم توانست مسیر حرکت به دموکراسی را تسریع کند.

اما در این باره گفتنی‌هایی است:

1. فارغ از همه پروپاگاندای رسانه‌ای نشریات اصلاح طلب برای مهم نشان دادن نظرات فردی مانند حسین بشیریه، باید توجه داشت که وی علیرغم سالها مطالعه و تدریس در رشته علوم سیاسی، نه تنها همچنان هیچ نظریه مشخص و مدونی از خود ندارد، بلکه عمده آثار به جا مانده از وی «ترجمه» و «شرح» اندیشه فلاسفه غرب بوده است. همچنین بیشترین تلاش وی نیز در سی سال گذشته تکاپو برای تطبیق صوری نظریات غیر بومی با تحولات جمهوری اسلامی بوده، لذا پیش از هر چیز این اشکال بوجود می‌آید که چگونه می‌توان با تکیه بر نظریات و تئوری‌های غیر بومی، درصدد پیش بینی تحولات سیاسی- اجتماعی کشور دیگری بود که جمیع شرایط آن فاصله قابل توجهی با آن نظریه پردازی‌ها داشته است؟

آیا به عنوان مثال می‌توان بر اساس نگاه «امام- امت» «به تحلیل تحولات اروپای غربی یا آمریکا پرداخت که از آن طرف بسیاری اصرار دارند با تکیه بر نظریه‌های غیربومی و کاملاً بی‌ارتباط با فرهنگ سیاسی- اجتماعی ایران، تحولات جمهوری اسلامی را با نظریات کاملاً غیر بومی تئوریزه یا حتی پیش بینی کنند؟

2. منتشر کنندگان مهرنامه در حالی عنوان «پیش گوی عصر اعتدال» را برای حسین بشیریه انتخاب کرده اند که به نظر می‌رسد شخص وی نیز در حال حاضر دیگر اعتقادی به چنین مساله‌ای ندارد چرا که مهرنامه تمعداً بسیاری از مواضع متأخر بشریه را سانسور کرده و با گزینش بخشهایی خاص از مواضع وی طی سالهای قبل از انتخابات ۸۸، به تصنعی‌ترین وجه ممکن تلاش کرده تا مفهوم «گذار به دموکراسی» را مترادف «اعتدال» دانسته و آن را به عنوان یک پیشگویی تاریخی به نام تئوری پرداز اصلی اصلاحات در ایران طی سالهای دوم خرداد معرفی کند.

اما بازخوانی گفتگوی حسین بشیریه با نشریه اینترنتی لوگوس در آذرماه سال ۸۸ به خوبی نشان می‌دهد متأخر ترین مواضع وی نه تنها ارتباطی با مفاهیم اعتدال و گذار به دموکراسی و ... ندارد بلکه در عمل وی را باید به عنوان پیشگوی ناکام «براندازی جمهوری اسلامی ایران» «لقب داد چرا که وی در ماه‌های پس از انتخابات ۸۸ یکی از شبه روشنفکرانی بود که با رصد متصنبه و تک ساحتی تحولات ایران، خیلی زود نتیجه گرفته بود روند فروپاشی رژیم آغاز شده و باید برای تسریع در این راستا، فردی مانند حسینعلی منتظری رهبری جنبش سبز را برعهده بگیرد .

وی در گفتگو با نشریه اینترنتی لوگوس در آذرماه سال ۸۸ نیز رادیکال ترین بخش نظرات خود را درباره جمهوری اسلامی بیان کرده و تأکید کرده بود:

من قطعاً با نظر آنهایی موافقم که مخالف تعامل (با جمهوری اسلامی) هستند. من هم فکر می‌کنم که تعامل به یک معنا، به رژیمی که با یک بحران عمیق مشروعیت مواجه است، مشروعیت می‌بخشد. از طرف دیگر به جنبش رو به رشد و دموکراتیک مخالفان، احساس جدامانگی را القاء می‌کند، جنبشی که انتظار حمایت معنوی و اخلاقی از تمام کشورهای دموکراتیک دارد».

لذا توجه در آخرین مواضع بشیریه نشان می‌دهد وی پیش از آنکه در مقام «پیشگویی عصر اعتدال» یا «گذار به دموکراسی» باشد، «پیشگوی ناکام براندازی جمهوری اسلامی» بوده که خواهان رادیکال تر شدن اپوزیسیون علیه نظام مستقر و قانونی در کشور بوده است.

پیش گویی‌ایی که البته میزان سطحی و سیاست زده بودن آن در جریان تحولات سال ۸۸ بویژه روز ۹ دی نمایان شد و به فاصله چند سال بعد از آن نیز، به سبب هژمونی گفتمان جمهوری اسلامی، نه تنها با حصر سران فتنه هیچ خللی در ساختار قدرت نظام بوجود نیامد بلکه عمده مدعیان تقلب در انتخابات سال ۸۸ ضمن شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ عملاً به ادعای چهار سال قبل خود پاسخ دادند، چرا که اگر نظام جمهوری اسلامی اهل هر گونه تقلب در انتخابات بود، اساساً شرکت در انتخابات در چنین نظامی معنا پیدا نمی‌کرد .

لذا اصرار مهرنامه بر تقلیل و تفسیر رای اکثریت مردم به دکتر حسن روحانی در انتخابات ۹۲ به خواسته‌های سیاسی شبه روشنفکران، یادآور توهمات این طیف در سالهای ۷۶ تا ۸۴ است که مدعی بودند ۲۰ میلیون رای دهنده به خاتمی، خواستار ایجاد توسعه سیاسی، جامعه مدنی و در نهایت عبور از جمهوری اسلامی هستند اما نتیجه انتخابات سال ۸۴ کاملاً در تضاد با تمام تئوری بافی‌های یاد شده بود و دورترین فرد ممکن به تحلیل‌های آن روزهای اصلاح طلبان توسط توده‌های مردم به ریاست جمهوری رسید تا بار دیگر ثابت شود نمی‌توان با شرح و ترجمه نگاه‌های غیر بومی به تحولات سیاسی ایران، به تحلیل و نتیجه‌گیری درستی در این باره رسید. کما اینکه همین طیف تا پیش از سوم تیر ۸۴ نیز از قطعی شدن وقوع نظریه «ترمیودر» «کربن بریتون در جمهوری اسلامی و پایان دوره انقلابی‌ها سخن می‌گفتند اما انتخابات ریاست جمهوری نهم به عنوان بزرگترین مثال نقض این ادعا، در عمل نشان داد هیچ یک از نظریات ترجمه‌ای توانایی تحلیل دقیق رفتارشناسی مردم ایران را ندارند.

امیرحسین ثابتی / ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

پسج دانشجویی دانشگاه فردوسی برگزار می‌کند:
برگرداشت ۱۶ آذر سالروز تولد مرکز برای آمریکا
راهکارهای توسعه قدرت ایران
در شرایط تحریم
با حضور دکتر سعید جلیلی
 دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی و نماینده رهبری در این شورا
سه شنبه ۱۱ آذر ساعت ۱۲ آملی تئاتر دانشکده علوم
 آیا دستاوردهای ۳۵ سال استادی متناسبی با هزینه‌های متحمل شده داشته است؟
 نقش دانشجویان در توسعه قدرت نرم ایران چگونه باید باشد؟
 ریشه‌های متفکر اعتراضی دانشجویان سال ۳۲ در چه بوده است؟

 همی (مکتب آذره)

کرافتک
سایان
 صفحه آرایی نشریات دانشجویی، طراحی پوستر،
 بنر، بروشور، طراحی آرم، آموزش فتوشاپ، word
 رنجبر ۰۵۹۹۶۵۷۹۶ - ۰۹۳۵۵۵۹۹